



تفسیر بیضاوی در آینه فقهای مذاهب اسلام

■ مرتضی رحیمی

استادیار گروه علوم قرآنی و فقه دانشگاه شیراز

mrahimi2@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱۹

چکیده

عبدالله بیضاوی از دانشمندان نامدار فارس، از خود آثاری بر جای نهاده که از بین آنها کتاب «انوار التنزیل» ایشان بیشترین توجه دانشمندان گوناگون اعم از متکلم، محدث، مفسر و فقیه را به خود جلب نموده است. در این میان توجه فقهای مذاهب اسلامی به کتاب مزبور به شکل حاشیه، شرح و تعلیق به علل گوناگون از جمله تاریخ فقه حائز اهمیت است. از بررسی فقهایی که تفسیر بیضاوی را مورد توجه قرار داده‌اند، برمی‌آید که به ترتیب فقهای حنفی، امامی و شافعی بیشترین سهم را در توجه به تفسیر مزبور دارند و فقهای حنبلی و مالکی به ترتیب کمترین سهم را در این باره دارند که این امر می‌تواند ناشی از نقل‌گرایی حنبلیها در مقابل عقل‌گرایی حنفیها و زیادی پیروان ایشان باشد. شیخ بهایی از عالمان عصر صفویه اولین فقیه امامی است که بر تفسیر بیضاوی حاشیه نوشته و آن را شرح کرده است. پس از شیخ بهایی، دیگر فقهای امامیه نیز به تفسیر مزبور توجه نموده‌اند که در مقایسه با فقهای شافعی، شمار آنها بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: بیضاوی، انوار التنزیل، فقها، مذاهب فقهی، تفسیر قرآن.



مقدمه

ناصرالدین ابوالخیر عبدالله بن عمر بیضاوی، از جمله دانشمندان، مفسران، متکلمان و فقیهان برجسته خطه فارس و شافعی مذهب است. وی در بیضاء متولد شده و مدتی در شیراز و به قولی چندی در تبریز عهده‌دار منصب قضاوت بوده است.^۱ براساس تصریح اسنوی و سبکی در سال ۶۹۱ق^۲ و براساس گفته ابن‌اثیر^۳ و دیگران^۴ در سال ۶۸۵ق در تبریز وفات یافته و در قبرستان چرنداب مدفون شده است.

آثار بیضاوی در زمینه‌های گوناگون مورد توجه دانشمندان اسلامی از همه مذاهب، اعم از متکلمان، مفسران، فقها، محدثان و ... قرار گرفته است. در میان آثار بیضاوی، تفسیر ایشان موسوم به «انوار التنزیل و اسرار التأویل» بیشترین توجه را به خود جلب نموده است، به گونه‌ای که علاوه بر مفسران، متکلمان، محدثان و فقهای زیادی از مذاهب اهل‌تسنن و شیعه به تعلیق، حاشیه، تلخیص و شرح بر آن پرداخته‌اند.^۵

حاجی خلیفه در گفتار مفصلی درباره تفسیر بیضاوی از ۱۵ حاشیه کامل بر آن سخن گفته است.^۶ وی تعلیقات و حواشی غیر کامل بر تفسیر بیضاوی را زیاد دانسته، اما تنها به ۲۷ مورد از آنها اشاره کرده است.^۷ همچنین آقابزرگ تهرانی حواشی و تعلیقاتی را که توسط دانشمندان شیعه بر تفسیر مزبور نگارش یافته است، زیاد می‌داند، اما تنها به معرفی ۲۳ حاشیه و تعلیق بر آن پرداخته است.^۸

۱. طبقات الشافعیة الكبرى، ج ۸، ص ۱۵۸.
۲. طبقات الشافعیة، اسنوی، ج ۱، ص ۳۶؛ طبقات الشافعیة الكبرى، ج ۸، ص ۱۵۷.
۳. البدایة و النهایة، ج ۱۳، ص ۳۰۹.
۴. هدیه العارفین، ج ۱، صص ۴۶۲ و ۴۶۳.
۵. طبقات الشافعیة الكبرى، ج ۸، ص ۱۵۷؛ الوافی بالوفیات، ج ۱۷، ص ۲۰۶؛ طبقات الشافعیة، ابن‌قاضی شهبه، ج ۲، ص ۱۷۲؛ بغیة الوعاة، ج ۲، ص ۵۰؛ کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۸۶؛ شذرات الذهب، ج ۵، ص ۳۹۲؛ روضات الجنات، ج ۵، ص ۱۳۴؛ ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۵۶۹؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص ۴۶۲؛ الاعلام، ج ۴، ص ۱۱۰؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۷، ص ۱۴۲.
۶. کشف الظنون، ج ۱، صص ۱۸۸-۱۹۰.
۷. همان، صص ۱۹۰-۱۹۳.
۸. الذریعة، ج ۶، صص ۴۱-۴۴.

آنها پرداخته‌اند، مربوط به همه دانشمندان اسلامی اعم از متکلم، فقیه، مفسر و جز آنها می‌باشد، اما در تحقیق حاضر صرفاً حاشیه‌ها، تعلیقات و تلخیصهای فقهای مذاهب شیعه و اهل‌تسنن با اشاره به برخی جزئیات مورد توجه قرار گرفته است. در تحقیق حاضر، سیر زمانی و مکانی توجه فقهای مذاهب اسلامی به تفسیر بیضاوی و سهم هریک از آن مذاهب در این باره مورد بررسی قرار گرفته و اشاره شده است که فقهای مذاهب اسلامی با وجود پراکندگی در سرزمینهای گوناگون اسلامی، سهم یکسانی ندارند.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که کتابشناسان و صاحبان تراجم، مانند حاجی خلیفه، کحاله، آقابزرگ تهرانی، حر عاملی و ...، تألیفات دانشمندان گوناگون اسلامی در حوزه‌های متعدد کلام، تفسیر، فقه، عرفان و ... را پیرامون تفسیر بیضاوی مورد توجه قرار داده‌اند، این امر از سوی نویسندگان طبقات مفسران و فقها نیز مورد توجه قرار گرفته است، در عین حال در هیچ‌یک از آثار مورد اشاره، تحقیق مستقلی پیرامون تفسیر بیضاوی که حاوی توجه به سهم هریک از مذاهب فقهی در این باره بوده و نیز در آن به نقاط مختلف دنیای اسلام توجه شده باشد، به چشم نمی‌خورد، از این رو تحقیق حاضر به لحاظ تاریخ فقه و تقریب بین مذاهب، حائز اهمیت است و دادوستد علمی مذاهب گوناگون اسلامی را نشان می‌دهد.

دلیل توجه فقها به تفسیر بیضاوی

توجه فقها به تفسیر بیضاوی به ویژگیهای تفسیر مزبور و روش تفسیری بیضاوی مربوط است؛ زیرا بیضاوی به آیات فقهی قرآن توجه خاص داشته و ذیل تفسیر این نوع آیات، دیدگاه مذاهب فقهی اهل‌سنت، به ویژه حنفیه، مالکیه و شافعیه را مورد اشاره قرار داده و در بیشتر موارد دیدگاه مذهب فقهی خود (شافعی) را ترجیح داده است، مثلاً ذیل تفسیر آیه «وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ»^۹ «زنان مطلقه باید سه عادت ماهانه صبر کنند»، اشاره نموده که «قُرء» بر حیض و طهر و پاک‌ی میان دو حیض اطلاق شده، اصل آن انتقال از پاک‌ی و طهر به حیض است و همین مراد از قرء در آیه است؛ زیرا بر براءت رحم دلالت دارد،

نه حیض آن‌گونه که ابوحنیفه گفته است، دلیل این قول آیه «فَطَلُّوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ»^{۱۰} «همسرانتان را طلاق دهید، در زمان عده»، است. از سوی طلاق مشروع در حیض واقع نمی‌شود، اما این قول پیامبر(ص) که «طلاق (زنان) امت (من) دو طلاق بوده و عده آن طلاق، دو حیض می‌باشد»، در برابر روایت بخاری و مسلم در داستان ابن عمر مقاومت نمی‌کند. به موجب این روایت، عبدالله بن عمر زنش را در حال حیض طلاق داد، پیغمبر(ص) به او امر فرمود که او را برگرداند و نگهدار تا پاک شود، پس از آن و پیش از آمیزش، او را طلاق گوید.^{۱۱}

بیضاوی همچنین در تفسیر آیه «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ»^{۱۲} «فریضه حج، در ماههای معینی برگزار می‌شود، کسانی که در این ایام به این واجب بپردازند، باید بدانند که در حج آمیزش جنسی و گناه و جدال مجاز نیست»، «اشهر معلومات» را به معنای شوال، ذی‌القعده و ۹ روز اول ذی‌الحجه گرفته و اشاره کرده که مراد از آن از نظر ابوحنیفه ده روز اول ذی‌الحجه (با شوال و ذی‌القعده) است و از نظر مالک، همه ذی‌الحجه (با شوال و ذی‌القعده) می‌باشد.^{۱۳}

با توجه به آنکه همه مذاهب فقهی اسلامی، آیات فقهی را به عنوان نخستین و مهم‌ترین منبع احکام شرعی می‌دانند، توجه زیاد فقهای مذاهب به تفسیر بیضاوی قابل توجه خواهد بود. علت توجه فقهای مذاهب به تفسیر بیضاوی، به آیات فقهی قرآن محدود نمی‌شود؛ زیرا بیضاوی همانند بسیاری از مفسران، از جمله زمخشری - که انوار التنزیل بیضاوی در حقیقت تهذیب کشاف ایشان است - در پایان هر سوره، احادیثی در فضیلت و ثواب قرائت آن آورده است، همچنین در مباحث کلامی متعرض دیدگاههای مذاهب اسلامی شده و برخی از آنها را نقد نموده است. برای مثال، نسبت به مواردی که در تفاسیر معتزله در تأیید و تحکیم آرای کلامی خود، به آیات قرآنی اشاره شده است، موضع می‌گیرد، چنان‌که در مواردی بدون اشاره به

دیدگاه معتزله، به تأیید و تحکیم آموزه‌های اشعری در سایه تفسیر آیات مبادرت می‌نماید.^{۱۴} نکات ادبی و تفسیری انوار التنزیل، از دیگر دلایل توجه دانشمندان اسلامی اعم از فقها و غیر ایشان به آن است، برای مثال، ملا فتح‌الله کاشانی از دانشمندان امامی، در مقدمه زبدة التفاسیر خود، انوار التنزیل را به عنوان یکی از چهار منبع عمده خود برشمرده است.^{۱۵}

تألیفات فقهای اسلامی درباره تفسیر بیضاوی

چنان‌که گذشت در میان آثار بیضاوی تفسیر ایشان بیشترین توجه فقهای مذاهب را به خود جلب کرده و از همین روی بیشترین شرح، حاشیه، تعلیق، تلخیص و ... را توسط فقها به خود اختصاص داده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱) ملا خسرو، محمد بن فراموز (فرامرزی) بن علی رومی (د ۸۸۵ق)

وی از جمله فقها و دانشمندان اصولی حنفی است که در شهرهای ادرنه، بروسه و ایاصوفیه به تدریس پرداخته و در قسطنطنیه، غلظه و اسکدار منصب قضاوت را عهده‌دار بوده است. از ایشان آثار و تألیفات چندی بر جای مانده که از جمله آنها می‌توان به «حاشیه بر انوار التنزیل» اشاره نمود.^{۱۶} حاشیه یاد شده تا آیه ۱۴۲ سوره بقره می‌باشد. محمد بن عبدالملک بغدادی، پس از ملاخسرو، آن را تکمیل نموده، اما به نگارش بیش از سوره بقره توفیق نیافته است.^{۱۷}

۲) ابن ابی شریف، محمد بن ابی بکر بن علی بن مسعود مری (۸۲۲-۹۰۶ق)

وی از فقهای شافعی بوده که در علم کلام، اصول فقه و تفسیر نیز تبحر داشته است. تولد و وفات وی در بیت المقدس روی داده است. بارها به قاهره کوچ نموده و به مکه و مدینه نیز کوچ داشته است. فقه را نزد ماهر و

۱۴. همان، ج ۱، ص ۱۶۶.

۱۵. زبدة التفاسیر، ص ۲۰.

۱۶. کشف الظنون، ج ۱، صص ۹۱، ۱۱۳، ۱۹۰، ۴۷۴، ۴۹۷ و ۸۹۹؛

ج ۲، صص ۱۱۴۴ و ۱۶۵۷؛ شذرات الذهب، ج ۷، ص ۳۴۲؛ هدیه

العارفین، ج ۲، ص ۲۱۱؛ الاعلام، ج ۶، ص ۳۲۸؛ معجم المؤلفین، ج ۱۱،

صص ۱۲۲ و ۱۲۳؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، صص ۱۱۰۵ و ۱۱۰۶.

۱۷. کشف الظنون، ج ۱، ص ۹۱؛ هدیه العارفین، ج ۲، ص ۲۱۱.

۱۰. طلاق، ۱.

۱۱. انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۱، ص ۱۴۲.

۱۲. بقره، ۱۹۷.

۱۳. انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۱، ص ۱۳۰.





ابن شرف و شهاب بن رسلان فرا گرفته است.^{۱۸} از ایشان تألیفاتی بر جای مانده که از جمله آنها می‌توان از «التاج و الاکلیل علی انوار التنزیل» نام برد. نسخه‌ای از این اثر با شماره ۴۷۳ و به تاریخ کتابت قرن ۱۲ قمری در کتابخانه ظاهریه موجود است. آغاز آن چنین است: «الحمد لله الذی أنزل الی رسولہ الکریم، الذکر الحکیم، و القرآن العظیم ... و بعد: قال القاضی البیضاوی رحمہ الله فی سورة النحل فی تفسیر قوله تعالی «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ» أی القرآن، و إنما سمی ذکرا لأنه موعظة و تنبيه».^{۱۹}

۳) ابن امام الکاملیة، محمد بن محمد مصری (۸۰۸-۸۷۴ق)

از جمله فقهای شافعی است که به «ابن امام الکاملیة» معروف می‌باشد. فقه را از اساتیدی، همچون شمس‌الدین محمد بن عبدالدائم برماوی، شهاب‌الدین طنتدانی، شرف‌الدین موسی بن احمد سبکی و دیگران آموخته و در دروس ولی‌الدین احمد بن عبدالرحیم عراقی و ابن حجر عسقلانی حاضر شده و اصول فقه را نزد قنایی و ونایی فرا گرفته است. در قطبیه و کاملیه تدریس نموده و در مصر از پذیرش منصب قضاوت که به وی پیشنهاد شده، سر باز زده است. تألیفات چندی از ایشان بر جای مانده که از جمله آنها می‌توان از «تمام تیسیر الوصول»؛ شرح «منهاج الاصول» بیضاوی در اصول فقه و «اختصار تفسیر البیضاوی» نام برد.^{۲۰} کتاب مزبور با عنوان «مختصر تفسیر البیضاوی» نیز مشهور است. کتاب یاد شده مدتها در بین مردم، مشهور و متداول بوده است. گاهی از دو شرح ابن‌الکاملیه بر تفسیر بیضاوی سخن به میان آمده که یکی مفصل و دیگری مختصر بوده است.^{۲۱}

۴) حاجی حسن زاده، محمد بن مصطفی بن حاج حسن (د ۹۱۱ق)

از فقهای حنفی بوده که در تفسیر نیز تبحر داشته است.

۱۸. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۰، ص ۲۶۱؛ شذرات الذهب، ج ۸، ص ۲۹؛ هدیه العارفين، ج ۲، ص ۲۲۲؛ الاعلام، ج ۷، ص ۵۳؛ البدر الطالع، ج ۲، ص ۲۴۳؛ معجم المفسرين، ج ۲، ص ۶۲۳؛ معجم المؤلفين، ج ۱۱، ص ۲۰۰.
۱۹. فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهرية، ج ۲، ص ۶۱.
۲۰. کشف الظنون، ج ۱، صص ۱۹۴، ۷۰۶ و ۸۶۲؛ ج ۲، صص ۱۱۷۰، ۱۸۸۰ و ۲۰۰۶؛ البدر الطالع، ج ۲، ص ۲۴۴؛ ایضاح المکتون، ج ۱، ص ۱۳۸؛ الاعلام، ج ۷، ص ۴۸؛ معجم المؤلفين، ج ۱۱، ص ۲۳۱؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۱۱۰۷.
۲۱. طبقات المفسرين، ص ۳۴۰.

از وی آثار چندی بر جای مانده که از جمله آنها می‌توان به حاشیه‌ای بر تفسیر سوره انعام از تفسیر بیضاوی اشاره نمود. وی در قسطنطنیه خانه‌ای برای تعلیم و مسجد و مدرسه‌ای بنا نموده است. طاش کبری زاده درباره وی گفته است: «وی به علوم عقلی و شرعی آشنا و جامع اصول و فروع بود».^{۲۲}

۵) طاش کبری، مصطفی بن خلیل (۸۵۷-۹۳۵ق)

از فقهای حنفی است که در طاش کبری متولد شده، در اسدییه و مدارس بیضاء، سیفییه، حلبیه و دیگر مدارس روم تدریس نموده و مدتی در حلب متصدی امر قضاوت شده و پس از استعفا از کار قضاوت، به سرزمین خود برگشته و تا پایان عمرش به تدریس اشتغال ورزیده است. فرزندش، طاش کبری زاده درباره وی گفته است: «به تفسیر، حدیث، اصول فقه و همه علوم ادبی آشنایی کامل داشت و به علوم عقلی کمتر توجه می‌نمود».^{۲۳} از وی تألیفاتی از جمله چند رساله بر قسمتهایی از تفسیر بیضاوی بر جای مانده است.^{۲۴}

۶) سعدی جلبی، سعدالله بن عیسی بن امیر خان (د ۹۴۵ق)

از فقهای بزرگ حنفی است که در قسطنونیه متولد شده و همراه پدرش به قسطنطنیه رفته و نزد علمای آنجا کسب علم نموده و پس از آن در مدارس قسطنطنیه، بروسه و ادرنه به تدریس مشغول بوده است. مدتی منصب قضاوت قسطنطنیه و در پایان عمرش کار افتای آنجا را عهده‌دار بوده است. وی تألیفات چندی دارد که از آن میان می‌توان به حاشیه‌اش بر تفسیر بیضاوی موسوم به «الفوائد البهیة» اشاره نمود.^{۲۵} حاشیه مورد بحث، شامل سوره هود تا پایان

۲۲. الشقائق النعمانية، ج ۱، ص ۹۷؛ کشف الظنون، ج ۱، صص ۹۱ و ۹۸؛ ج ۲، ص ۱۹۱۸؛ شذرات الذهب، ج ۸، ص ۵۶؛ هدیه العارفين، ج ۲، ص ۲۲۵؛ ایضاح المکتون، ج ۲، ص ۶۱۲؛ الاعلام، ج ۷، ص ۹۹؛ معجم المؤلفين، ج ۱۲، ص ۲۶؛ معجم المفسرين، ج ۲، ص ۶۳۷؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، ص ۲۰۹.
۲۳. الشقائق النعمانية، ج ۱، ص ۲۳۲.
۲۴. همان؛ شذرات الذهب، ج ۸، ص ۲۱۱؛ هدیه العارفين، ج ۲، ص ۴۳۴؛ معجم المؤلفين، ج ۱۲، ص ۲۵۰.
۲۵. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۰، صص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ الشقائق النعمانية، ج ۱، ص ۲۶۵؛ کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۹۱؛ شذرات الذهب، ج ۸، ص ۲۶۲؛ هدیه العارفين، ج ۱، ص ۳۸۶؛ الاعلام، ج ۳، ص ۸۸؛ معجم المؤلفين، ج ۸، ص ۲۱؛ معجم المفسرين، ج ۱، ص ۲۰۶.



قرآن است. پس از چلبی، فرزندش با استفاده از دیگر حواشی، کار پدر را تکمیل نموده است. حاجی خلیفه درباره حاشیه مزبور گفته است: «تحقیقات لطیف و مباحث ارزشمند و شریف آن، که از حواشی کشف گزینش کرده و یافته‌ها و استنباطهای گران قدرش را به آن افزون ساخته است، مورد اعتماد و مراجعه مدرسان و محققان، به هنگام بحث و مذاکره قرار گرفته است، از این روی تعلیقات بسیاری بر آن نگاشته‌اند».^{۲۶}

۱۰) نشانچی زاده، احمد بن محمد بن رمضان (۹۳۳-۹۸۶ق)

قاضی حنفی است، نزد شیخ زاده، عبدالکریم زاده، برویز و سنان شاگردی نموده، در چندین مدرسه تدریس نموده و مدتی قضاوت مکه و پس از آن قضاوت مصر را عهده‌دار بوده است. در بازگشت از حج نزدیک دمشق وفات یافته و در دمشق مدفون شده است. از وی آثار چندی بر جای مانده که از جمله آنها می‌توان از شرح دعای صباح منسوب به علی(ع) و حواشی بر تفسیر بیضاوی نام برد.^{۳۰}

۱۱) شیخ بهایی، محمد بن حسین بن عبدالصمد (۹۵۳-۱۰۳۰ق)

وی از فقهای معروف شیعه بوده که پس از شهادت شهید ثانی همراه پدرش در زمان صفویه به ایران آمده و در قزوین اقامت گزیده، برخی از علوم را نزد پدرش فرا گرفته و پس از رفتن پدرش به هرات نزد دانشمندان دیگری، از جمله محقق کرکی و ... شاگردی نموده و علوم گوناگون را آموخته است. در جوانی برخی از کتابهایش را تألیف نموده و در اصفهان به منصب شیخ الاسلامی رسیده و پس از آن راهی سفر حج شده است. مدت زیادی از عمرش را در بغداد، کاظمیه، نجف، کربلا و سامرا گذرانده، پس از آن مدتی در مصر اقامت گزیده و از آنجا به قدس کوچ نموده است. پس از آن به دمشق سفر کرده و از دمشق به حلب رفته و با بزرگان دیگر مذاهب فقهی ملاقات نموده و آن‌گاه از حلب به ایران آمده و به بحث و تألیف و تدریس پرداخته است.

از شیخ بهایی آثار و تألیفات متعددی بر جای مانده که

۷) عرب زاده، محمد بن محمد بن عمر بن حمزه (۹۲۰-۹۶۹ق)

وی از فقهای حنفی و فرزند فقیه واعظ محمد معروف به «ملا عرب» می‌باشد.^{۲۷} در جکجه، بروسه و قسطنطنیه تدریس نموده و از فقهای حنفی مذهب بوده که به تفسیر نیز آشنایی داشته است. از وی آثار چندی از جمله «حواشی بر انوار التنزیل» بر جای مانده است.

۸) عبدالکریم زاده، محمد بن عبدالوهاب بن عبدالکریم (د ۹۷۵ق)

از فقهای حنفی است، نزد افرادی، همچون اسرافیل زاده، جوی زاده، مفتی ابی‌السعود و کمال پاشا زاده شاگردی نموده و در مذهب خود ماهر شده، مدتی در کلیبولی، ادرنه و قسطنطنیه تدریس نموده و در حلب، دمشق، مصر و ارتش منصب قضاوت داشته است. از وی آثار چندی بر جای مانده که از جمله آنها می‌توان از حاشیه‌ای بر انوار التنزیل نام برد. حاشیه مزبور تا سوره طه را شامل می‌شود.^{۲۸}

۹) فوری افندی، احمد بن عبدالله (د ۹۷۸ق)

از فقهای حنفی است، در مجلس درس احمد طاش کبری زاده حضور یافته و در مدارس متعدد درس خوانده، مدتی در بروسه در مدرسه قبلوجه و در قسطنطنیه در مدارس علی پاشا، خاصکیه و ... تدریس نموده است. پس از آن

۲۹. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۰، ص ۴۲؛ کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۱۹۹؛ شذرات الذهب، ج ۸، ص ۳۸۵؛ معجم المؤلفین، ج ۱، ص ۲۹۷.
۳۰. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۰، صص ۵۱ و ۵۲؛ کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۲۳؛ شذرات الذهب، ج ۸، ص ۴۰۹؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۴۲؛ هدیه العارفين، ج ۱، ص ۱۴۸؛ معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۱۶۵؛ معجم المفسرین، ج ۱، ص ۷۳.

۲۶. کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۹۱.
۲۷. هدیه العارفين، ج ۲، ص ۲۴۷؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۱۴۱؛ الاعلام، ج ۷، ص ۵۹؛ معجم المؤلفین، ج ۱۱، ص ۲۴۲؛ معجم المفسرین، ج ۲، ص ۶۲۵؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۰، صص ۲۵۵ و ۲۶۹.
۲۸. کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۹۱؛ شذرات الذهب، ج ۸، ص ۳۷۹؛ هدیه العارفين، ج ۲، ص ۲۵۰؛ الاعلام، ج ۶، ص ۲۵۶؛ معجم المؤلفین، ج ۱۰، ص ۲۷۰؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۰، صص ۲۴۳ و ۲۴۴.



از جمله آنها می‌توان از حاشیه‌اش بر «انوار التنزیل» نام برد که به چاپ رسیده است.^{۳۱} حاشیه شیخ بهایی شامل سوره حمد و ۲۳ آیه نخست سوره بقره می‌باشد. بخش عمده کار شیخ در این حاشیه، عرضه نکات ادبی و عرفانی و به ندرت کلامی می‌باشد. این رساله، فاقد فصل بندی می‌باشد. آقا هادی مازندرانی حاشیه مزبور را کامل نموده و به اتمام رسانده است.^{۳۲} شیخ بهایی علاوه بر حاشیه مورد اشاره بر تفسیر بیضاوی، شرحی بر تفسیر یاد شده دارد که در مواردی به آن ارجاع داده است، چنانچه در حاشیه‌اش بر تفسیر بیضاوی، به هنگام ذکر نکات التفات از غیبت به خطاب در تفسیر آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»،^{۳۳} به شرح خود بر تفسیر مزبور حواله و ارجاع داده است.^{۳۴} شرح مزبور که از آن به حاشیه کبری نیز تعبیر شده به چاپ رسیده است. از شیخ بهایی حاشیه سومی نیز بر تفسیر بیضاوی مانده که رساله کوتاه و مختصری در نقد و بررسی دیدگاه بیضاوی در تفسیر آیه «فَسُحُّقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ»،^{۳۵} است.^{۳۶}

۱۲) بهوتی، عبدالرحمن بن یوسف بن علی (زنده در ۱۰۴۰ق)

فقیه حنبلی و محدث بوده و به فقه مذاهب فقهی چهارگانه اهل سنت آشنایی داشته و زیاد عمر کرده است. در مصر متولد شده، فقه مذاهب چهارگانه و نیز حدیث را نزد اساتیدی، از جمله محمد بن خطیب، پدر، جدش و دیگران فرا گرفته است. از وی آثار چندی بر جای مانده که از آن جمله می‌توان به حاشیه‌اش بر تفسیر بیضاوی اشاره نمود.^{۳۷}

۱۳) بیلونی، فتح‌الله بن محمود بن محمد (۹۷۷-)

۳۱. جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۰۰؛ امل الآمل، ج ۱، ص ۱۵۵؛ روایات الجنات، ج ۷، ص ۵۶؛ هدیه العارفين، ج ۲، ص ۲۷۳؛ الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۱۰۰؛ اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۲۳۴؛ الاعلام، ج ۶، ص ۳۳۴؛ معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۲۴۲؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، صص ۲۶۲ و ۲۶۳.

۳۲. الذریعة، ج ۶، ص ۴۴.

۳۳. فاتحه، ۵.

۳۴. همان، ج ۱۲، ص ۱۵۰.

۳۵. ملک، ۱۱.

۳۶. کشف الحجب، ص ۵۹۹.

۳۷. خلاصة الأثر، ج ۲، ص ۴۰۵؛ هدیه العارفين، ج ۱، ص ۵۵۰؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۱۴۰؛ معجم المؤلفین، ج ۵، ص ۲۰۰؛ معجم المفسرین، ج ۱، صص ۲۷۹ و ۲۸۰؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، ص ۱۴۵.

۱۴) ۱۰۴۲ق

فقیه شافعی، ادیب و شاعر بوده و در تفسیر و جز آن توانایی و آشنایی داشته، نزد پدرش بدر محمود درس خوانده و به روم سفر کرده و جایگاه و منزلت بالایی یافته است. مدتی در قدس افتای شافعیه را بر عهده داشته، همچنین به مکه، مدینه، دمشق و طرابلس سفر کرده و در حلب مجلس وعظ و نصیحت داشته است. از وی تألیفات چندی بر جای مانده که از آن جمله می‌توان به حاشیه‌اش بر تفسیر بیضاوی اشاره نمود.^{۳۸}

۱۴) نورالدین حلبی، علی بن ابراهیم بن احمد (۹۷۵-۱۰۴۴ق)

از فقهای شافعی و صاحب کتاب «السیرة الحلبیة» است. نزد افرادی، از جمله شمس‌الدین رملی، ابوالحسن محمد بکری، سالم سنهوری مالکی، علی بن غانم مقدسی حنفی و دیگران درس خوانده و در مدرسه صلاحیه تدریس نموده و مجتهد و محقق و صاحب فتوا بوده است. وی کتابهای زیادی را در زمینه‌های گوناگون لغت، اصول فقه، فقه، تفسیر و ... تألیف نموده است که از آن جمله می‌توان به حاشیه‌اش بر اوایل کتاب انوار التنزیل اشاره نمود. حاشیه یاد شده شامل شرح دو جزء از تفسیر بیضاوی است.^{۳۹}

۱۵) سلطان العلماء، حسین بن رفیع الدین محمد مرعشی حسینی (۱۰۰۱-۱۰۶۴ق)

یکی از بزرگان و مشاهیر فقهای امامی است که دانشمند اصولی، محدث، مفسر و متکلم نیز بوده است، از همین روی وی را جامع علوم گفته‌اند. نزد افرادی از جمله پدرش صدرالدین کبیر، شیخ بهایی، حسین یزدی ندوشنی و دیگران درس خوانده، مدتی به حکم سلطان صفی‌الدین در شهر قم به اقامه نماز پرداخته و در آنجا به مطالعه و تحقیق پرداخته است. پس از آن به اصفهان بازگشته تا آنکه در بازگشت از فتح قندهار که همراه شاه عباس دوم بوده، وفات یافته و در نجف اشرف مدفون شده است. به

۳۸. خلاصة الأثر، ج ۳، صص ۲۵۴ و ۲۵۷؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۱۴۰؛ هدیه العارفين، ج ۱، ص ۸۱۵؛ الاعلام، ج ۵، ص ۱۳۵؛ معجم المؤلفین، ج ۸، ص ۵۳؛ معجم المفسرین، ج ۱، صص ۴۱۷ و ۴۱۸؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، صص ۲۱۹ و ۲۲۰.

۳۹. سذرات الذهب، ج ۸، ص ۳۶۵.

مصر و یمن مسافرت نموده و با علمای قاهره ملاقات و گفتگوی علمی داشته و دوبار به عنوان سفیر به قسطنطنیه رفته است. در شهرش اصفهان نماز جمعه اقامه می‌نموده و در آنجا بیمارستانها و مدرسه‌هایی بنا کرده است. حدود دو هزار نفر در مجلس درسش شرکت می‌کردند. از وی آثار و تألیفات چندی از جمله‌ای حاشیه‌ای بر *انوار التنزیل* بر جای مانده است.^{۴۰} آقابزرگ تهرانی درباره حاشیه مزبور گفته است: «یکی دیگر از حواشی آن، حاشیه سلطان العلماء، میرزا علاءالدین، حسین بن رفیع‌الدین محمد مرعشی آملی اصفهانی (د ۱۰۶۴ ق) می‌باشد که در کتاب *جامع الرواة* آن را تحت عنوان تعلیقات آورده است».^{۴۱}

۱۶) ابن صائغ، محمد بن ابراهیم (د ۱۰۶۶ ق)

از جمله فقهای حنفی و مفسر بوده است، در مصر تدریس داشته و در پی احمد بن یوسف مفتی به روم سفر کرده و از وی رتبه «قضاء القدس» را دریافت نموده و پس از آن به دمشق رفته است. وی به زبان ترکی و فارسی به خوبی آشنا بوده و خط نیکویی داشته و شعر می‌سروده است. از وی تألیفات چندی گزارش شده که از آن میان می‌توان به حاشیه‌اش بر تفسیر بیضاوی اشاره نمود.^{۴۲}

۱۷) ابوالوفا عرضی، محمد بن عمر بن عبدالوهاب (۹۹۳-۱۰۷۱ ق)

مفتی شافعیه در حلب بوده، علوم عقلی و نقلی را از پدرش نقل کرده و نزد افرادی، همچون علی ابوالجواد بیرونی و دیگران درس خوانده و مدتی از عمرش را به تدریس، فتوا و موعظه پرداخته است. کتابها و رساله‌های چندی را تألیف نموده که از آن میان می‌توان به حواشی وی بر *انوار التنزیل* اشاره نمود.^{۴۳}

۴۰. اصل الآمل، ج ۲، ص ۹۲؛ الکنی و الالتاب، ج ۲، ص ۳۱۹؛ اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۱۶۴؛ الاعلام، ج ۲، ص ۲۵۶؛ معجم المؤلفین، ج ۴، ص ۵۷؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، ص ۹۴ و ۹۵.

۴۱. الذریعة، ج ۶، ص ۴۲.

۴۲. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، ص ۲۳۹؛ کشف الظنون، ج ۲، ص ۲۰۳۵؛ خلاصة الأثر، ج ۳، ص ۳۱۶؛ هدیه العارفین، ج ۲، ص ۲۸۷؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۱۳۹؛ الاعلام، ج ۵، ص ۳۰۳؛ معجم المؤلفین، ج ۸، ص ۱۹۸.

۴۳. کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۷۲۳؛ خلاصة الأثر، ج ۱، ص ۱۴۸؛ هدیه العارفین، ج ۲، ص ۲۸۸؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۱۴۱؛ الاعلام، ج ۶، ص ۳۱۷؛ معجم المؤلفین، ج ۱، ص ۱۶۵؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، ص ۲۹۸.

۱۸) موصلی، محمود بن عبدالله موصلی (۱۰۰۰-۱۰۸۲ ق)

مفتی حنفی است که در موصل در علم نظر، کلام و حکمت تخصص یافته و پس از آن به حلب رفته و نزد افرادی، همچون نجم حلساوی، ابراهیم کردی، ابوالوفا عرضی و دیگران درس خوانده و پس از آن به موصل برگشته است. او از علمای روم نیز بهره برده است. از آن پس در موصل به فتوا، تدریس و پاسخ به پرسشهای مردم مشغول شده است. او به زبان عربی، ترکی و فارسی آشنایی داشته است. در سال ۱۰۸۱ ق به سفر حج رفته و در بازگشت از حج در حلب وفات یافته است. از وی تألیفات و آثاری بر جای مانده که از آن میان می‌توان به حاشیه بر *انوار التنزیل* اشاره نمود.^{۴۴}

۱۹) منقاری، یحیی بن عمر (۱۰۱۸-۱۰۸۸ ق)

مفتی حنفی است که نزد افرادی، همچون عبدالرحیم بن محمد مفتی و دیگران درس خوانده و در مدارس قسطنطنیه تدریس نموده و در روم قضاوت در ارتش و نیز فتوا را عهده‌دار بوده است. به تفسیر توجه خاصی داشته و تدریسش نیکو بوده است. از وی تألیفات چندی بر جای مانده که از آن میان می‌توان به حاشیه بر *انوار التنزیل* اشاره نمود.

۲۰) حصکفی، محمد بن علی (۱۰۲۵-۱۰۸۸ ق)

از فقهای حنفی و مفتی ایشان در دمشق و محدث و نحوی بوده است. در شهر خودش، رمله، قدس و مدینه نزد اساتید زیادی، از جمله پدرش، محمد محاسنی، خیرالدین رملی، عبدالباقی حنبلی و دیگران درس خوانده، در سال ۱۰۷۳ ق به روم رفته و متولی مدرسه جقمقیه شده است. پس از آن به مدت پنج سال در شام کار فتوا را بر عهده داشته و در جامع دمشق تدریس نموده است. در مدرسه نقویه تفسیر و در خانه‌اش فقه و در مسجد جامع اموی حدیث تدریس نموده است. قضاوت در شهر صیدا و شهرهای دیگر از جمله کارهای وی می‌باشد. از وی آثار چندی بر جای مانده که از آن میان می‌توان به تعلیقاتش بر مقداری از *انوار*

۴۴. خلاصة الأثر، ج ۴، ص ۳۱۹؛ هدیه العارفین، ج ۲، ص ۴۱۶؛ معجم المؤلفین، ج ۱۲، ص ۱۷۷؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، ص ۳۴۹.





التنزیل اشاره نمود.^{۴۵}

(۲۱) کواکبی، محمد بن حسن بن احمد (۱۰۱۸-۱۰۹۶ق)

از فقهای حنفی است که در حلب نزد افرادی همچون جمال‌الدین بابولی و دیگران درس خوانده، در شهر حلب کار فتوا را بر عهده داشته و تدریس نموده و شهرت یافته است. آثار و تألیفات چندی دارد که از آن میان می‌توان به حاشیه‌اش بر تفسیر بیضاوی اشاره نمود.^{۴۶}

(۲۲) قاضی نورالله شوشتری (۹۵۶-۱۰۱۹ق)

از جمله فقهای متکلم امامی است که حدود ۸۰ تألیف دارد، از جمله تألیفات وی حواشی و تعلیقاتش بر تفسیر بیضاوی است.^{۴۷} شوشتری بر *انوار التنزیل* دو حاشیه نگاشته است. یکی از فهرست نگاران در شناسایی یکی از آن دو حاشیه که از آغاز تا آیه ۷۲ سوره مائده را شامل می‌شود، گفته است: «[قاضی] این حاشیه را بر حاشیه‌ای که بخاری بر تفسیر بیضاوی تعلیق کرده، نگاشته است. ابتدا عبارات ایشان را نقل، سپس اشکالاتی را که بر بیانات ایشان وارد است، ذکر می‌کند و مراد مصنف را به نحوی که اشکال متوجه بدان نشود، بیان می‌کند. در ضمن اقوال علمای تفسیر چون ابوالفتوح رازی، فخررازی و زمخشری و بعضی دیگر را نقل می‌کند و به اشعار فارسی و غربی بزرگانی چون فردوسی، طرفة و اعشى تمثل می‌جوید و مطالب حکمی و کلامی و احادیث مناسب مقام را نیز بیان می‌دارد و هر جا مناسب دیده، عقاید شیعه امامیه را نقل کرده است».^{۴۸}

(۲۳) محلی، عبدالرحمن بن محمد (د ۱۰۹۸ق)

از فقهای شافعی و مفسر است که در «المحله الکبری» در غرب مصر متولد شده و نزد افرادی، همچون زین‌الدین عبدالرحمن یمنی، محی‌الدین بن زکریا و دیگران درس خوانده، سپس از الازهر هجرت نموده و به دمیاط رفته است. از جمله آثار وی حاشیه‌ای بر تفسیر بیضاوی و ... می‌باشد.^{۴۹}

(۲۴) فندرسکی، ابوطالب بن میرزا بیک (زنده بعد از ۱۱۰۰ق)

از فقهای امامیه، محدث، حکیم، محقق و از بزرگان علما بوده، نزد افرادی از جمله محمدباقر مجلسی، آقا حسین خوانساری و محمدباقر سبزواری درس خوانده و در بیشتر علوم متبحر شده است. کتابها و رساله‌های چندی را تألیف نموده است که از آن میان می‌توان به حاشیه بر *انوار التنزیل* اشاره نمود.^{۵۰}

(۲۵) حسنی برزنجی، محمد بن عبدالرسول بن عبدالسید (د ۱۱۰۳ق)

از جمله فقهای شافعی است که آشنا به تفسیر و ادب بوده و از جمله تألیفاتش «*نهار السلسبیل فی شرح تفسیر البیضاوی*» است.^{۵۱} گاهی از حاشیه یاد شده با عنوان «*نهار السلسبیل لریاض انوار التنزیل*» تعبیر شده است.^{۵۲}

(۲۶) محمد مشهدی، محمد بن محمدرضا بن اسماعیل (د بعد از ۱۱۰۷ق)

از فقها، محدثان، ادیبان و مفسران امامی است که در مشهد به دنیا آمده و نزد عالمان عصر خویش درس خوانده است. محمدباقر مجلسی در سال ۱۱۰۷ق به وی اجازه داده، در تفسیر متبحر شده و کتابی موسوم به «*کنز الدقائق و بحر الغرائب*» نگاشته که به چاپ رسیده است. به گفته محدث نوری از بهترین، جامع‌ترین و کامل‌ترین تفاسیر بوده و بهتر از تفسیر *نورالثقلین* و تفسیر *الصابی* می‌باشد.^{۵۳} از جمله

۴۹. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، صص ۲۱۴ و ۲۱۵؛ خلاصة الأثر، ج ۲، ص ۴۰۵؛ الاعلام، ج ۳، ص ۳۲۳.
۵۰. امل الآمل، ج ۲، ص ۳۶۵؛ الذریعة، ج ۶، ص ۴۱؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، صص ۲۳ و ۲۴.
۵۱. ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۱۴۸؛ معجم المطبوعات العربية، ج ۱، ص ۵۵؛ الاعلام، ج ۶، ص ۳۱۳.
۵۲. معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۳۰۶.
۵۳. الفيض القدسی، ص ۱۰۰.

۴۵. كشف الظنون، ج ۲، ص ۱۸۱۵؛ خلاصة الأثر، ج ۴، ص ۶۳؛ هدیة العارفین، ج ۲، ص ۲۹۵؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۱۴۰؛ معجم المطبوعات العربية، ج ۱، ص ۷۷۸؛ الاعلام، ج ۶، ص ۲۹۴؛ معجم المؤلفین، ج ۱۱، ص ۵۶؛ معجم المفسرین، ج ۲، ص ۵۹۲؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، صص ۲۸۹ و ۲۹۰.

۴۶. خلاصة الأثر، ج ۳، ص ۴۳۷؛ هدیة العارفین، ج ۲، صص ۲۹۸ و ۲۹۹؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۱۴۲؛ الاعلام، ج ۶، ص ۹۰؛ معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۱۸۶؛ معجم المفسرین، ج ۲، ص ۵۱۶؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، صص ۲۵۵ و ۲۵۶.

۴۷. طبقات مفسران شیعه، ص ۱۱۸۱؛ امل الآمل، ص ۳۳۷؛ ادوار الفقه الامامی، ص ۲۳۳.

۴۸. فهرست نسخ خطی کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری، ج ۱، ص ۱۲۲.

دیگر آثار وی می‌توان از حاشیه بر انوار التنزیل سخن گفت.^{۵۴} حاشیه یاد شده، حاشیه‌ای بر حاشیه شیخ بهایی بر تفسیر بیضاوی است. مؤلف از این حاشیه در تفسیر کنز الدقائق خود یاد نموده است.^{۵۵}

۲۷) عبادی، عبدالقاهر بن عبد بن رجب (د حدود ۱۱۱۰ق)

از جمله فقهای امامی است که حر عاملی درباره‌اش گفته است: «عالم متکلم فقیه ماهر جامع جلیل القدر، منشیء عابد».^{۵۶} مشهد را زیارت کرده و در کرمانشاه در «مدرسه همدان» تدریس نموده است. در فنون گوناگون، کتابها و تألیفاتی دارد که از آن میان می‌توان به تعلیقاتش بر انوار التنزیل اشاره کرد.^{۵۷}

۲۸) بنارسی، امان‌الله بن نورالله بن حسن (د ۱۱۱۳ق)

از جمله فقهای حنفی و مفسر، اصولی و متکلم است. حافظ قرآن بوده، معقول، منقول، فروع و اصول را فرا گرفته و کتابهای چندی در علوم گوناگون تألیف نموده است که از آن میان می‌توان به حواشی بر انوار التنزیل اشاره نمود.^{۵۸}

۲۹) سندی، محمد بن عبدالهادی (د ۱۱۳۸ق)

از فقهای حنفی است که عالم به اصول فقه، حدیث و تفسیر بوده است. در روستای تنه از سرزمین هند به دنیا آمده، پس از آن وارد شوشتر شده و نزد برخی از شخصیت‌های آنجا درس خوانده است. مدتی به مدینه کوچ کرده و آنجا را وطن و محل سکونت خویش قرار داده و نزد افرادی، از جمله محمد برزنجی، ابراهیم کورانی و دیگران درس

۵۴. امل الآمل، ج ۲، ص ۲۷۲؛ روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۱۰؛ ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۳۸۵؛ هدیه العارفین، ج ۲، ص ۳۰۴؛ اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۴۰۷؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۶، ص ۶۷۳؛ معجم المؤلفین، ج ۱۱، ص ۲۱۷؛ معجم المفسرین، ج ۲، ص ۶۲۹.

۵۵. تفسیر کنز الدقائق، ج ۱، مقدمه، ص ۲۶.

۵۶. امل الآمل، ج ۲، ص ۱۵۶.

۵۷. همان؛ روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۲۰؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۴۴۱ و ۵۸۰؛ ج ۲، ص ۲۶؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص ۶۰۷؛ اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۳۲؛ معجم المؤلفین، ج ۵، ص ۳۰۹؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۵۸. ابجد العلوم، ج ۳، ص ۲۳۴؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۲۲۷؛ الاعلام، ج ۲، ص ۱۱؛ معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۳۱۸؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۸۰ و ۸۱.

خواننده و در حرم به تدریس پرداخته است. وی تألیفات چندی دارد که از آن میان می‌توان به حاشیه بر سنن ابن ماجه که به چاپ رسیده، شرح سنن ابی‌داود، حاشیه بر صحیح بخاری، حاشیه بر انوار التنزیل و ... اشاره نمود.^{۵۹}

۳۰) عبدالغنی نابلسی، عبدالغنی بن اسماعیل (۱۰۵۰-۱۱۴۳ق)

فقیه حنفی، صوفی، مفسر، ادیب و مصنف بوده است، فقه، اصول، علوم عربی و حدیث، تفسیر و نحو را نزد عالمان زمان خود فرا گرفته، به مطالعه کتب صوفیه و ابن عربی علاقه زیادی داشته و در مسجد جامع اموی در دمشق به تدریس پرداخته است. مسافرت‌های متعددی به مناطقی، همچون بغداد، روم، قدس، الخلیل، مصر، بقاع، جبل عامل لبنان و طرابلس شام داشته و آن‌گاه به دمشق بازگشته و در صالحیه سکنی گزیده و در آن به تدریس تفسیر پرداخته است. در علوم گوناگون تألیفات زیادی داشته است که از آن میان می‌توان به «التحریر الحاوی فی شرح انوار التنزیل» اشاره نمود.^{۶۰} شرح یاد شده در پنج جزء است که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه ظاهریه موجود است.^{۶۱}

۳۱) سفرجلانی، عبدالرحمن بن عمر بن ابراهیم (د ۱۱۵۰ق)

از جمله فقهای شافعی است که در زادگاهش نزد افرادی، همچون علی محمد کاملی و دیگران درس خوانده، پس از آن به روم و مصر کوچ کرده و نزد اساتید آنجا کسب علم نموده است. مدتی در مدرسه جقمقیه و جوزیه تدریس نموده تا آنکه در شام شهرت یافته است. وی ضمن قرائت (آموزش) تفسیر بیضاوی در منازل، حاشیه‌ای بر انوار التنزیل تألیف نموده است. علاوه بر تألیف یاد شده، آثار

۵۹. ایضاح المکنون، ج ۱، صص ۱۴۰، ۲۰۴ و ۵۹۵؛ هدیه العارفین، ج ۲، ص ۳۱۸؛ معجم المطبوعات العربیة، ج ۱، ص ۱۰۵۶؛ الاعلام، ج ۶، ص ۲۵۳؛ معجم المؤلفین، ج ۱۰، ص ۲۶۲؛ معجم المفسرین، ج ۲، ص ۵۶۷؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، صص ۲۹۷ و ۲۹۸.

۶۰. سلاک الدرر، ج ۳، ص ۳۰؛ عجایب الآثار، ج ۱، ص ۲۳۲؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۸؛ هدیه العارفین، ج ۱، صص ۵۹۰ و ۵۹۴؛ معجم المطبوعات العربیة، ج ۲، ص ۱۸۳۲؛ الاعلام، ج ۴، ص ۳۲؛ معجم المؤلفین، ج ۵، ص ۲۷۱؛ معجم المفسرین، ج ۱، ص ۲۹۱؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، صص ۱۷۱ و ۱۷۲.

۶۱. فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهریة، ج ۲، صص ۶۷-۷۲.





دیگری از ایشان گزارش شده است.^{۶۲}

۳۲) مدرس، محمدحسین بن محمدحسن (زنده قبل از ۱۱۵۸ق)

از فقهای امامی می‌باشد. وی اصولی، متکلم، مفسر، ادیب و عارف به فنون فتوا بوده است. نزد پدرش محمدحسن و نزد عموهایش درس خوانده، تا آنکه از همگان خود در علوم پیشی گرفته است. پس از آن پادشاه صفوی وی را برای تدریس در شیراز منصوب نموده، از همین روی به عنوان «مدرس» مشهور شده است. محل تدریس وی در شیراز مدرسه معروف خان می‌باشد. مدرس، تألیفات چندی دارد که از آن میان می‌توان به منظومه فقهیه، منظومه اصولیه، منظومه اعتقادیه، تعلیقه بر تفسیر الصافی جدش فیض کاشانی و تعلیقه بر انوار التنزیل و ... اشاره نمود.^{۶۳}

۳۳) ملا رفیع گیلانی، محمد رفیع بن فرج‌الله (د حدود ۱۱۶۰ق)

از جمله فقها و اعیان تفسیری امامی است که در مشهد به امامت جمعه و تعلیم معارف مشغول بوده است. از وی آثاری گزارش شده است که از آن میان می‌توان به حاشیه بر شرح لمعه و حاشیه بر تفسیر بیضاوی اشاره نمود.^{۶۴} وی ضمن تدریس تفسیر بیضاوی در حوزه درسی‌اش، حاشیه‌ای نیز بر آن نگاشته است.^{۶۵}

۳۴) قیرشهری از میری، محمد بن ولی بن رسول (د ۱۱۶۵ق)

از فقها و مفتیان حنفی است که تألیفات چندی دارد، از میان آنها می‌توان به حاشیه‌اش بر تفسیر بیضاوی اشاره نمود.^{۶۶}

۳۵) مقابی، محمد بن علی بن عبدالنبی (زنده در ۱۱۶۷ق)

۶۲. سلک الدرر، ج ۲، ص ۳۰۸؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص ۵۵۳؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۱۴۰؛ الاعلام، ج ۳، ص ۳۲۰؛ معجم المؤلفین، ج ۵، ص ۱۶۰؛ معجم المفسرین، ج ۱، ص ۲۷۰؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۱۵۹.
 ۶۳. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۳۶۶.
 ۶۴. الذریعة، ج ۲۶، ص ۲۰۶؛ ج ۶، ص ۱۰۴؛ طبقات مفسران شیعیه، ص ۶۷۹.
 ۶۵. الذریعة، ج ۶، ص ۴۹.
 ۶۶. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۴۸۴؛ هدیه العارفین، ج ۲، ص ۳۲۸؛ معجم المؤلفین، ج ۱۲، ص ۹۵.

فقیه امامی، دانشمند اصولی و محدث است که نزد افرادی همچون جدش، علی عبدالله بن علی بن احمد بلادی و دیگران درس خوانده، در سال ۱۱۵۰ق به حج رفته و از شمار زیادی از کتب اهل سنت استفاده برده و در روستایش مقابا امامت جمعه و جماعت را بر عهده داشته است. از جمله تألیفات وی می‌توان به «نخبة البیضاوی و مجمع البیان» اشاره نمود.^{۶۷} او اثر تفسیری بزرگی در سه مجلد و به نام «صفوة الصافی و البرهان و نخبة البیضاوی و مجمع البیان» دارد. چنانچه از نام اثر مزبور برمی‌آید، گزینش و منتخبی است از چهار تفسیر: البرهان، انوار التنزیل، الصافی و مجمع البیان. جلد اول این تفسیر تا سوره اسراء را شامل می‌شود و جلد دوم آن تا سوره یس را دربر دارد. جلد سوم نیز تا پایان قرآن ادامه دارد.^{۶۸}

۳۶) بلیدی، محمد بن محمد بن محمد حسنی (۱۰۹۶-۱۱۷۶ق)

از فقهای مالکی، محدث، عالم به تفسیر و قرائات و ساکن قاهره بوده است. در دانشگاه الازهر تدریس درس تفسیر و در زیارتگاه امام حسین(ع)، به قرائت فقه و حدیث اهتمام داشته است. در درس وی بزرگان الازهر و شام شرکت می‌کردند. از وی تألیفات و آثار چندی بر جای مانده است که از آن میان می‌توان به حاشیه‌اش بر انوار التنزیل اشاره نمود.^{۶۹}

۳۷) تونی چوق زاده، عبدالله بن محمد (د ۱۱۸۳ق)

یکی از عالمان حنفی و از بزرگان دولت عثمانی می‌باشد، در قسطنطنیه به دنیا آمده و علوم را نزد محمد مدنی و دیگران فرا گرفته تا آنکه از همگانش برتر شده و به تدریس پرداخته است. قضاوت قدس، مدینه و ارتش را برای مدتی عهده‌دار بوده است. وی حواشی بر تفسیر بیضاوی و رساله‌ها و تحریرهایی دارد.^{۷۰}

۳۸) اسبیری، محمد بن یوسف بن یعقوب (۱۱۳۳-)

۶۷. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۳۰۲؛ اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱؛ الذریعة، ج ۲۴، ص ۹۳؛ معجم المؤلفین، ج ۱۱، ص ۲۴.
 ۶۸. طبقات مفسران شیعیه، ص ۶۸۰.
 ۶۹. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، صص ۳۱۳ و ۳۱۴؛ سلک الدرر، ج ۴، ص ۱۱۰؛ ایضاح المکنون، ج ۱، صص ۱۳۹ و ۳۱۶؛ الاعلام، ج ۷، ص ۶۸؛ معجم المؤلفین، ج ۱۱، ص ۲۷۵.
 ۷۰. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۱۹۷.

۱۱۹۴ق

از فقهای مالکی است که در تفسیر و علوم دیگر فعالیت داشته، نزد افرادی همچون مجذوب بن عبدالحمید حسنی و دیگران درس خوانده، در مراکش مستقر شده و به تدریس پرداخته است. وی تألیفاتی دارد که از آن میان می‌توان به حاشیه بر مختصر خلیل در فقه و حاشیه بر تفسیر بیضاوی اشاره نمود.^{۷۴}

۴۲) مرعشی حسینی، محمد خلیل بن محمد داود بن محمد (د حدود ۱۲۲۰ق)

فقیه امامی و مورخ بوده که در هند سکونت داشته است. وی تألیفاتی دارد که از آن جمله می‌توان به «حاشیه علی مدارک الاحکام» در فقه، «حاشیه علی انوار التنزیل» و ... اشاره نمود.^{۷۵}

۴۳) کرمانشاهی، احمد بن محمدعلی بهبهانی (۱۱۹۱-۱۲۳۵ یا ۱۲۴۳ق)

فقیه امامی اصولی از جمله عالمان مشهور عصر خویش بوده، از شش سالگی آغاز به قرائت قرآن و برخی از کتب فارسی نموده و در دهمین سال عمرش به خواندن علم نحو، منطق، معانی و بیان و کلام اقدام کرده است. فقه را نزد پدرش فرا گرفته، آن‌گاه برای کسب علوم به حوزه علمیه نجف رفته و پس از رسیدن به اجتهاد به ایران بازگشته و در قم اقامت گزیده و در آنجا به تألیف برخی از کتب پرداخته است. پس از آن به کرمانشاه برگشته و از آنجا به هند کوچ نموده و در هند کتابهای زیادی را تألیف نموده و پس از مدتی به کرمانشاه بازگشته است. کرمانشاهی بیش از ۲۰ تألیف دارد که از جمله آنها می‌توان به حاشیه بر انوار التنزیل اشاره نمود.^{۷۶}

۴۴) ابن عابدین، محمدامین بن عمر بن عبدالعزیز (۱۱۹۸-۱۲۵۲ق)

از عالمان بزرگ حنفیه و فقیه ایشان در شام است. ابتدا شافعی مذهب بوده، سپس حنفی مذهب شده، در فقه، اصول و دیگر علوم مهارت یافته و به تدریس و تألیف و افتا پرداخته، به گونه‌ای که از عالمان مشهور شده است.

از فقهای حنفی و مفتی حلب بوده که دروس قرآن، صرف، نحو و منطق را نزد پسر دایی پدرش مصطفی افندی، الیاس مرعشی و دیگران فرا گرفته پس از آن به کلیس سفر کرده و از عالمان آنجا کسب علم نموده، مدتی به استانبول رفته و پس از آن به حلب برگشته و آن را وطن خویش قرار داده است. تألیف کتابها و رساله‌های چندی توسط وی صورت گرفته است که از آن میان می‌توان به «تعلیقات علی تفسیر البیضاوی» اشاره نمود.^{۷۱}

۳۹) قونوی، اسماعیل بن محمد بن مصطفی (د ۱۱۹۵ق)

از جمله فقهای حنفی است که به علوم عقلی و نقلی، همچون منطق، تفسیر، اصول و جز آنها آشنایی داشته است. در قونیه متولد شده و نزد عالمانی چون مصطفی قونوی، خلیل قونوی و جز آنها علم آموخته، مدتی ساکن قسطنطنیه شده و در مدارس آنجا تدریس نموده و بین عالمان آنجا مشهور شده و به عنوان رئیس مدرسان «دار السعادة» منصوب شده است. برخی گفته‌اند وی اولین فردی است که در حضور سلاطین به تدریس درس تفسیر اقدام نموده است. با کاروان شامیان به سفر حج رفته و در هنگام بازگشت بیمار شده و در دمشق فوت نموده است. از جمله تألیفات وی می‌توان به حاشیه‌اش بر انوار التنزیل اشاره نمود که به چاپ رسیده است.^{۷۲} حاشیه یاد شده یکی از سودمندترین و متداول‌ترین حاشیه‌های تفسیر بیضاوی است.

۴۰) سلیمی، علی بن محمد (۱۱۱۳-۱۲۰۰ق)

از فقهای شافعی است که مفسر و نحوی نیز بوده است. از جمله تألیفات وی می‌توان به «تکملة شرح تفسیر البیضاوی لعمر الرومی» اشاره نمود. شرح مزبور از سوره اسراء تا پایان قرآن را دربر دارد.^{۷۳}

۴۱) حسنی جنوی، محمد بن حسن تطاونی (۱۱۳۵-۱۲۲۰ق)

۷۱. همان، ج ۱۲، صص ۳۳۷ و ۳۳۸؛ سلک الدرر، ج ۴، ص ۱۲۰؛ هدیه العارفين، ج ۲، ص ۳۴۲؛ ایضاح المکتون، ج ۱، ص ۱۶۹؛ الاعلام، ج ۷، ص ۱۵۶؛ معجم المؤلفین، ج ۱۲، ص ۱۴۱؛ معجم المفسرین، ج ۲، ص ۶۵۸. ۷۲. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۷۶؛ سلک الدرر، ج ۱، ص ۲۵۸؛ ایضاح المکتون، ج ۱، ص ۱۴۲؛ هدیه العارفين، ج ۱، ص ۲۲۲؛ الاعلام، ج ۱، ص ۳۲۵؛ معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۲۹۴؛ معجم المفسرین، ج ۱، ص ۹۴. ۷۳. معجم المؤلفین، ج ۷، ص ۲۱۸.





۴۸) **ترمانینی، احمد بن عبدالکریم بن عیسی**
(۱۲۰۸-۱۲۹۳ق)

از فقها و مراجع شافعی در عصر خویش بوده، در کودکی به حلب رفته، قرآن را حفظ کرده و علوم ابتدایی را نزد پدرش و احمد هیراوی و برادرش خوانده، پس از آن برای کسب علم به مصر رفته و پس از ۱۳ سال تلاش در طلب علم به حلب بازگشته و به ارشاد و تدریس فقه، تفسیر و حدیث پرداخته است. وی تألیفات چندی دارد که از آن میان می‌توان به دو حاشیه‌اش در تفسیر یکی بر *انوار التنزیل* و دیگری بر تفسیر *جلالین* اشاره نمود.^{۸۱}

۴۹) **قزوینی، علی بن اسماعیل موسوی** (۱۲۳۷-
۱۲۹۸ق)

از جمله فقهای متبحر امامی است، مقدمات علوم را نزد دایی خود سید رضی‌الدین قزوینی و دیگران فرا گرفته، سپس در درس فقه، اصول و حدیث شهید محمدتقی برغانی و محمد تنکابنی صاحب *قصص العلماء* و برادرش شرکت جسته و حکمت و فلسفه را نزد دیگر اساتید خوانده است. پس از آن به عراق رفته و نزد افرادی همچون سید ابراهیم قزوینی، صاحب *جواهر* و شیخ انصاری کسب علم نموده تا به مرتبه بالای فقه و اصول رسیده است. قزوینی پس از آن به قزوین برگشته و به تدریس و تألیف و افتا پرداخته است. از جمله تألیفات وی می‌توان به تعلیقاتش بر تفسیر *بیضاوی* اشاره نمود.^{۸۲}

۵۰) **ابن خوجه، احمد بن محمد** (۱۲۴۵-۱۳۱۳ق)
از فقهای حنفی و مفتی و ادیب بوده، در دانشگاه زیتونه و سایر مراکز، نزد افرادی از جمله پدرش درس خوانده و در دانشگاه زیتونه تدریس می‌نموده است. در سال ۱۲۷۷ق منصب قضاوت و در سال ۱۲۷۹ق کار افتا را عهده دار بوده و در سال ۱۲۹۰ق شیخ الاسلام شده است. از وی تألیفات زیادی بر جای مانده که از آن میان می‌توان به حواشی بر *انوار التنزیل* اشاره نمود که توسط عبدالحکیم سیالکوتی تقریر شده است. وی همچنین رساله‌های

۸۱. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۸۴؛ الاعلام، ج ۱، ص ۱۵۵؛ معجم المؤلفین، ج ۱، ص ۲۸۱.

۸۲. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، صص ۳۹۰ و ۳۹۱؛ فرهنگ لغت، ج ۱۱، ص ۵۴۹۱؛ مستدرک اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۱۳۹.

جمله تألیفات وی «حواشی علی انوار التنزیل» است.^{۷۷}
۴۵) **علی اکبر بن علی بن اسماعیل** (۱۱۸۷-
۱۲۶۳ق)

از فقها و عالمان امامی است که به «نواب» ملقب می‌باشد. نزد عالمانی، همچون محمدحسن قزوینی شیرازی و دیگران درس خوانده، در شیراز تدریس کرده و شعر می‌سزوده است. کتابهای زیادی تألیف نموده است که از جمله آنها می‌توان به حاشیه بر *انوار التنزیل* اشاره نمود.^{۷۸}

۴۶) **امانی، عبدالرحمن بن یعقوب بن حسن** (زنده
در ۱۲۸۷ق)

از فقها و مفتیان حنفی است. پس از فرا گرفتن نحو و صرف در زادگاهش، به یونان رفته و علوم را در آنجا آموخته، پس از آن به ترکیه بازگشته و به تدریس، افتا و تألیف پرداخته است. از جمله تألیفات وی شرحی بر تفسیر سوره «یس» از تفسیر *بیضاوی* می‌باشد.^{۷۹}

۴۷) **شیرازی مشهدی، نصرالله بن عبدالغفار**
(۱۲۳۹-۱۲۹۱ق)

فقیه امامی، اصولی، مدرس و ماهر در فنون مختلف بوده، مقدمات علوم، مثل منطق، لغت، نحو، معانی و بیان و دیگر علوم را نزد صالح یزدی و دروس دیگر را نزد دیگران فرا گرفته، در درس فقه، اصول، تفسیر و حدیث علی محمد مهدی کجوری شیرازی شرکت کرده، تا به درجه استنباط و اجتهاد رسیده و به کتابت و نشر علم پرداخته و در مدرسه منصوریه شیراز تدریس نموده است. در عراق از شیخ انصاری و دیگران اجازه دریافت کرده، دوباره به شیراز برگشته و پس از آن مشهد را وطن خویش قرار داده و در آنجا به تدریس پرداخته تا به شهرت رسیده است. وی کتابها و رساله‌هایی تألیف نموده است که از آن میان می‌توان به تعلیقاتی بر اوایل *انوار التنزیل* اشاره نمود.^{۸۰}

۷۷. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۵۲۳؛ فهرس الفهارس، ج ۲، ص ۱۲۳۰؛ معجم المطبوعات العربیة، ج ۱، ص ۱۵۰؛ هدیه العارفين، ج ۲، ص ۳۶۷؛ ایضاح المکنون، ج ۱، صص ۱۸، ۷ و ۲۵؛ الکنی و الالقاب، ج ۱، ص ۳۴۵؛ الاعلام، ج ۶، ص ۴۲؛ معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۷۷.

۷۸. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۴۱۹؛ معجم المؤلفین، ج ۷، ص ۴۱.

۷۹. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۳۴۰.

۸۰. همان، ج ۱۳، ص ۶۷۸؛ اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۲۱۹.

فقهی و فتاوی زیادی دارد.^{۸۳} در حاشیه یاد شده که به نام حاشیه عبدالحکیم سیالکوتی (د ۱۳۶۷ق) نیز معروف است، مطالب قرائتی، نحوی، صرفی و بیانی تبیین شده‌اند، گاهی اقوال دیگر حاشیه‌نویسان نیز در آن مورد استناد قرار گرفته است. حاشیه مزبور در سال ۱۲۷۰ق به چاپ رسیده است.^{۸۴}

۵۱) طرابلسی لبیبی، کامل بن محمود (۱۲۴۴-۱۳۱۵ق)

از فقهای حنفی است که به نحو، حدیث و جز آنها نیز آشنایی داشته است. در طرابلس غرب علوم را فرا گرفته و در دانشگاه الازهر آموزش خود را کامل نموده و بعد از چند سال به وطنش بازگشته و در سال ۱۳۱۱ق کار فتوا را عهده‌دار شده است. وی به فقه مالکی و شافعی آشنایی داشته است. از جمله آثار وی می‌توان به تعلیقش بر تفسیر بیضاوی اشاره نمود.^{۸۵}

۵۲) نجار، محمد بن عثمان بن محمد (۱۲۵۵-۱۳۳۱ق)

از فقهای مالکی و مفتی معروف به «نجار» است. از وی تألیفات چندی بر جای مانده است که از آن میان می‌توان به حاشیه‌اش بر انوار التنزیل اشاره نمود.^{۸۶}

نتیجه‌گیری

۱. بررسی فقهای مذاهب گوناگون و محل زندگی و تولد ایشان که به تفسیر بیضاوی توجه نموده‌اند، نشان می‌دهد که در مناطق و سرزمینهای گوناگون اسلامی، همچون ایران، عربستان، فلسطین، شام، روم، تونس، هند، مغرب و ... به تفسیر مزبور توجه شده است. این امر به نوعی اهمیت تفسیر بیضاوی را نیز آشکار می‌کند.

۸۳. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، صص ۸۶ و ۸۷؛ الاعلام، ج ۱، ص ۲۴۸؛ معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۱۰۰.

۸۴. هدیه العارفین، ج ۱، ص ۵۰۴.

۸۵. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۹۸۴؛ الاعلام، ج ۵، ص ۲۱۸؛ معجم المؤلفین، ج ۷، ص ۱۴۰. منبع اخیر وفاتش را در سال ۱۲۹۸ق بیان نموده است.

۸۶. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، صص ۵۴۵ و ۵۴۶؛ معجم المطبوعات العربیة، ج ۲، ص ۱۷۰۰؛ الاعلام، ج ۶، ص ۲۶۳؛ معجم المؤلفین، ج ۱۰، ص ۲۸۶؛ معجم المفسرین، ج ۲، ص ۵۷۴.

۲. اولین فقهی که به تفسیر مزبور توجه نموده، ملا خسرو (د ۸۸۵ق) از فقهای حنفی است. فقهای حنفی بیشترین سهم را در توجه به تفسیر مزبور دارند؛ زیرا از میان فقهای که به ایشان اشاره شد، بیشترین تعداد (۲۴ مورد) را به خود اختصاص داده‌اند. توجه بیشتر فقهای حنفی به تفسیر مزبور، از یک‌سو می‌تواند به دلیل عقل‌گرایی زیاد حنفیه باشد که با روش اجتهادی تفسیر بیضاوی توجیه پذیر است و از سوی دیگر می‌تواند به دلیل زیادی پیروان حنفیه در بین مسلمانان باشد.

۳. با وجود آنکه بیضاوی از مفسران و فقهای شافعی است و امامی و شیعه نیست، اما توجه فقهای امامی به تفسیر وی، بیش از فقهای شافعی است؛ زیرا در مقابل نه فقیه شافعی، ۱۴ فقیه امامی به تفسیر مزبور توجه نشان داده‌اند.

۴. شیخ بهایی اولین فقیه امامی است که از طریق حاشیه زدن بر تفسیر مزبور و شرح آن به تفسیر یاد شده توجه نشان داده است. فقهای امامی که به تفسیر مزبور به شکل حاشیه، شرح و تعلیق توجه نشان داده‌اند، به ایران محدود نمی‌شوند، بلکه دیگر مناطق، از جمله هند را نیز دربر می‌گیرند.

۵. فقهای حنبلی کمترین سهم را در توجه به تفسیر مزبور دارند؛ زیرا از ایشان تنها بهوتی (د ۱۰۴۰ق) به تفسیر مزبور به شکل حاشیه و ... توجه نموده است. این امر را می‌توان ناشی از نقل و ظاهر‌گرایی حنابله دانست که با روش اجتهادی تفسیر بیضاوی همخوانی ندارد. پس از حنابله، مالکیه کمترین سهم را در توجه به تفسیر مزبور دارند؛ زیرا تنها سه نفر از ایشان به تفسیر مزبور توجه نموده‌اند.

۶. تفسیر بیضاوی در تقریب و نزدیکی مذاهب فقهی، نقش مهم و بسزایی دارد؛ زیرا همه مذاهب فقهی به ویژه امامیه به آن توجه نشان داده‌اند.



۱. قرآن کریم، ترجمه طاهره صفارزاده، تهران، مؤسسه فرهنگی جهان رایانه گستر، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۲. ابن قاضی شبهه، ابوبکر بن احمد، طبقات الشافعیة، تحقیق: حافظ عبدالعظیم خان، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۷ ق.
۳. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۴. ادنه وی، احمد بن محمد، طبقات المفسرین، مدینه، مکتبه العلوم و الحكم، ۱۴۱۷ ق.
۵. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۲ ق.
۶. اسنوی، عبدالرحیم، طبقات الشافعیة، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۸۷ م.
۷. امین، حسن، مستدرک اعیان الشیعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.
۸. امین، محسن، اعیان الشیعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۹. بغدادی، اسماعیل پاشا، ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۰. همو، هدیه العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، تحقیق: محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۱۲. تهرانی، آقابزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۴. حبرتی، عبدالرحمن بن حسن، عجایب الآثار فی التراجم و الاخبار، بیروت، دارالجمیل، بی تا.
۱۵. حدائق شیرازی، ابن یوسف، فهرست نسخ خطی کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۱۳-۱۳۱۵ ق.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، امل الآمل، نجف، مکتبه
- الاندلس، ۱۳۸۵ ق.
۱۷. حسینی، محمدخلیل بن علی، سلک الدرر فی اعیان القرن الثانی عشر، دارابن حزم؛ دارالبشاء الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۴۰۸ ق.
۱۸. خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ق.
۱۹. خیمی، صلاح محمد، فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهریة، دمشق، مجمع اللغة العربیة، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
۲۱. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ پنجم، ۱۹۸۰ م.
۲۲. سبحانی، جعفر، ادوار الفقه الامامی، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۴۲۴ ق.
۲۳. همو، موسوعة طبقات الفقهاء، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۴۱۸ ق.
۲۴. سبکی، عبدالوهاب بن علی، طبقات الشافعیة الكبرى، بیروت، داراحیاء الکتب العربیة، بی تا.
۲۵. سرکیس، یوسف الیاس، معجم المطبوعات العربیة، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. سیوطی، جلال الدین، بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین و النحاة، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، لبنان، صیدا؛ المکتبه المصریة، بی تا.
۲۷. شوکانی، محمد بن علی، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۲۸. صفدی، صلاح الدین خلیل بن ابیبک، الوافی بالوفیات، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۹. طاش کبری زاده، احمد بن مصطفی، الشقائق النعمانیة فی علماء الدولة العثمانیة، بیروت، بی نا، ۱۳۹۵ ق.
۳۰. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، طبقات مفسران شیعه، قم، نشر نوید اسلام، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
۳۱. عکری، عبدالحی بن احمد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، دمشق، دارابن کثیر، ۱۴۰۶ ق.
۳۲. قمی، عباس، الکنی و الالقاب، تهران، مکتبه الصدر،



- بی تا. اسماء الكتب و الاسفار، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.
۳۳. قنوجی، صدیق بن حسن، ابجد العلوم الوشی المرفوم فی بیان احوال العلوم، تحقیق: عبدالجبار زکار، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۷۰م.
۳۸. محبی حموی، محمدامین بن فضل الله، خلاصة الأثر فی اعیان القرن الحادی عشر، بیروت، دارصادر، بی تا.
۳۹. مشهدی قمی، محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۳ق.
۳۵. کتانی، عبدالحی بن عبدالکبیر، فهرس الفهارس و الاثبات و معجم المعاجم و المشیخات و المسلسلات، بیروت، دارالغرب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۹۸۲م.
۴۰. نوری، میرزا حسین، الفیض القدسی فی ترجمة العلامة المجلسی، قم، انتشارات مرصاد، ۱۳۷۷ش.
۴۱. نویهض، عادل، معجم المفسرین، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۹۸۳م.
۳۶. کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۳۷. کنتوری، اعجاز حسین، کشف الحجب و الاستار عن

